توسعه ایرانی toseeirani.ir
شماره ۸۹ / سه‌شنبه ۲۴ مهر ۱۳۹۷ / ۶ صفر ۱۴۴۰ / ۱۶ اکتبر ۲۰۱۸

این پسر در باند موادمخدر بود

دستور شوم نامادری به پسر ۱۵ ساله



گروه حوادث: پسر ۱۵ ساله که در کانون اصلاح و تربیت شاگرد اول است سرنوشت عجیبی دارد. او با دستور نامادری اش برای اینکه هزینه خوشگذرانی های این زن و پدرش را تهیه کند وارد باند افیونی شد.

مرگ مادر

سال ۹۰ بود که مادر حمید بخاطر بیماری سرطان به کام مرگ فرو رفت و این پسربچه به همراه خواهر بزرگتر و پدرش تنها ماندند. پدر خانواده مرد خوش رفتاری بود و روی اتوبوس کار می کرد و با وجود اصرارهای فامیل برای ازدواج دوباره چون دختر بزرگی داشت تن به ازدواج نمی داد و آنها با وجود غیبت مادر زندگی بدی نداشتند.

ازدواج خواهر

۲ سالی نگذشته بود که سهیلا با خواستگاری پسرخاله اش که مهندس بود و در جنوب کشور زندگی می کرد عروس شد و با رفتن او خانه بی روح شد. غذا پختن برای پدر سخت بود و حمید هم درس می خواند و در تابستان بازیگوشی می کرد. پدر دیگر خسته بود و با نخستین پیشنهاد برای ازدواج در تماس تلفنی از دخترش مشورت گرفت وبازنی به نام زهرا که بتازگی شوهرش در تصادف جان باخته و چون نمی توانست در تهران تنها زندگی کند به شهر آنها آمده بود ازدواج کرد.

نامادری بدجنس

زهرا بچه ای نداشت او وقتی پای در خانه شوهر جدیدش گذاشت مقررات سختی را جلوی حمید و پدرش گذاشت مرد که از تنهایی خسته شده بود تن به خواسته های این زن داد. زهرا مخالف کار شوهرش روی اتوبوس بود و مدام غر می زد که نمی خواهد شوهرش هر شب در جاده باشد و او و پسر نوجوان در خانه تنها بمانند. نامادری چند بار دروغ های بزرگی گفت و شوهرش را نسبت به حمید بدبین کرد. همین کافی بود تا مرد به جای رانندگی در جاده یک پراید خریده و در شهر کوچکشان مسافرکشی کند.

آشفتگی مالی

درآمد کم بابای حمید باعث اختلافات جدیدی شده بود. زهرا مدام می گفت باید زندگی خوبی داشته باشند و مدام حمید را مقصر می دانست که نان خور اضافی است و بدترین اتفاق این بود که نامادری رفتارها و تفریح های نامناسبی داشت و پدر حمید نیز آلوده این رفتارها شده بود. آنها خانه را پاتوق کرده بودند و روزی نبود میهمان و بساط دود نداشته باشند. همین شب نشینی ها باعث شد بابای حمید به یک از کارافتاده تبدیل شود و با فروش پراید کاملا بیکار شد.

دستور نامادری

زهرا که اوضاع را بد می دید و دیگر توانایی این را نداشت شوهرش را وادار به کار کند سراغ حمید رود. پسر بچه وقتی شنید دیگر به مدرسه نمی رود و باید کار کند شوکه شد اما چاره ای نبود چون پدرش کاملا تسلیم نامادری بود.

کارگری در ساختمان

حمید ابتدا در یک نانوایی کار کرد اما صاحب مغازه بخاطر تصمیم به مهاجرت به تهران مغازه را بست و حمید بر خلاف دوستانش که به مدرسه می رفتند راهی کار در ساختمان ها شد. او هر روز به سختی کار می کرد و حقوقش را دو دستی به نامادری می داد اما زهرا باز گلایه داشت و مرتب از او می خواست کار بهتری پیدا کند.

کج راهه

حمید که از این همه فشار خسته بود تنها با یک اشاره مسعود که او هم کارگری می کرد وارد باند موادمخدر شد و خرده فروشی را آغاز کرد. او ۱۵ سال بیشتر نداشت اما بیشترین نقش مشتری یابی مواد را بر عهده داشت و همیشه مواد پدر و نامادری اش مجانی بود.

دستگیری

حمید خیلی زود از خرده فروشی به قاچاقچی مواد مخدر تبدیل شد تا اینکه در ماه های آخر ۱۵ سالگی از سوی پلیس مبارزه با مواد مخدر دستگیر شد و این در حالی بود که محموله سنگین مواد به همراه داشت.

اعتراف

حمید کوچکتر از آن بود که سکوت کند و اقراری نداشته باشد او همه اعضای باند را لو داد و ماموران توانستند ۶ سوداگر مرگ را به دام اندازند و یک باند سازمان یافته را از بین ببرند.

مجازات

حمید و اعضای باند سوداگران مرگ در دادگاه انقلاب محاکمه شدند و حمید بواسطه همکاری با پلیس و مقام قضایی و همچنین اعمال ماده حمایتی از اطفال از مجازات سنگین رهایی یافت و به تحمل ۵ سال زندان محکوم شد.

زندانی درسخوان

حمید به کانون اصلاح تربیت انتقال یافت و در آنجا به آموختن درس پرداخت و یکی از شاگردان اول با نمرات ممتاز است. او همچنین یک نجار ماهر شده است و درآمد خوبی هم در داخل زندان دارد.

گفت‌وگو با حمید

می خندد و می گوید خدا او را دوست داشته که دستگیر شده و به زندان افتاده است.

■ **چرا خوشحالی؟**

زندگی من بیرون از کانون زندان بود اینجا مان راحتم.

■ **یعنی دلتنگ نمی شوی؟!**

خیلی دلتگ آزادی هستم و برای رهایی از کانون لحظه شماری می کنم اما نه برای زندگی گذشته نه برای بازگشت نزد پدر و نامادری یا دنیای مواد مخدر الان با وجود اینکه سنم بالای ۱۸ یال است اما یک مرد پخته هستم و مطمئنم آزاد شوم زندگی ایده آلی خواهم داشت.

■ **چه برنامه‌ای داری؟**

دانشگاه می روم و نجاری می کنم.

■ **کجا زندگی می کنی؟**

پس انداز برای اجاره خانه دارم همین کافیست!

■ **اگر کار پیدا نکنی؟**

کار دارم. چند باری مرخصی رفته ام و با یک کابینت کار آموزشی کار کرده ام او شوهر دوست مادر خدابیامرزم است و قول داده آزاد شدم بیکار نمانم خیلی هم کمکم کرده است.

■ **پس پدر چی؟**

با او کاری ندارم از دور شنیده ام او خانه نشین است و نامادری ام انگار در خانه سبزی فروشی دایر کرده است من دیگر با آنها کاری ندارم باید زندگی خودم را بسازم.

■ **خیلی ناراحتی؟**

خیلی. نامادری ام بدجنس است اما در راهی افتادم که نباید اما توانستم از باتلاق بیرون می آیم.

■ **خواهرت چی؟**

او را دوست دارم. دامادمان مهربان است آنها به دیدنم می آیند و وثیقه گذاشته من را به مرخصی می برند الان دایی هستم و خوشحالم.

■ **با آنها زندگی نمی کنی؟**

خیر می خواهم در همین شهر بمانم کار کنم و زن بگیرم پدر شوم و جبران بی کفایتی پدرم را با مهربانی برای بچه هایم کنم.

■ **ودانشگاه؟**

حتما همسرم هم باید دانشجو یا کارمند باشد.

■ **چرا؟**

زندگی به من درس بزرگی داده و همین تفکر باعث شده تا انگیزه هایم تغییر کنند

■ **خودت معتادی؟**

سیگار هم نمی کشم البته می کشیدم اما همیشه دوست داشتم خوشبو باشم و سیگار باعث بدبویی می شود.

■ **تا حالا مواد کشیدی؟**

اصلا. دستم پر مواد بود اما نامادری ام باعث شد از مواد متنفرم.

■ **حرف آخر!**

من آدم بزرگی خواهم شد آن موقع هم با من گفت‌وگو کنید!

اخبار حوادث

مرگ مرموز مرد کلمبیایی در سیرک میلاد تهران

جسد کارمند کلمبیایی سیرک میلاد تهران کشف و به پزشکی قانونی منتقل شد. ساعت ۱۰:۳۶ صبح دیروز یک کارمند تبعه کلمبیا در سیرک میلاد تهران به علت نامعلوم در گذشت. بر اساس اعلام یکی از دوستان متوفی، وی هنگام مرگ مشروبات الکلی همراه داشته است. قاضی مدیر روستا بازپرس کشیک قتل از شعبه ۶ دادسرای امور جنایی تهران با تایید این خبر از انتقال جسد به پزشکی قانونی برای مشخص شدن علت مرگ این شخص خبر داد.

مرگ تلخ کودک آزادشهری در تعقیب و گریز پلیسی

کودک یک مرد سارق در جریان تعقیب و گریز پلیس آزادشهر داخل خودروی پدرش تسلیم سرنوشت مرگبار شد. سرهنگ اصلانی فرمانده انتظامی آزادشهر گفت: عصر روز یکشنبه برابر اعلام فوریت‌های پلیس ۱۱۰ سرقت یک خودرو پراید به ماموران گشت شهرستان اعلام شد. وی ادامه داد: بلافاصله طرح مهار در شهرستان و استان اجرا و پس از مدت کوتاهی ماموران یگان امداد خودروی مورد نظر را در میدان جمهوری آزادشهر شناسایی کردند و دستور توقف خودرو داده شد. فرمانده انتظامی آزادشهر گفت: متهم به دستورات توجه نکرده و از شهر خارج و به جاده فرعی معروف به جاده نفت متواری شد. اصلانی در ادامه گفت: بعداز چند دقیقه تعقیب و گریز و بی توجهی به اخطارهای پلیس ماموران با توجه به قانون بکارگیری از سلاح بصورت شلیک هوایی تیراندازی کردند که متهم بابی توجهی به اخطارها وارد زمین کشاورزی شد.

وی افزود: ماموربن با هدف شلیک به لاستیک قصد متوقف کردن ماشین را داشتند که به دلیل دست اندازهای زیاد و تکان شدید خودروی پلیس، گلوله‌های شلیک شده در این تعقیب و گریز پلیسی از صندوق پراید رد شده و به زن و فرزند خردسال سارق برخورد کرد. فرمانده انتظامی آزادشهر گفت: مصدومان بلافاصله به مرکز درمانی انتقال یافتند اما فرزند سارق بر اثر شدت جراحات در بیمارستان درگذشت. وی گفت: سارق که سابقه دار و اعتیاد شدید به مواد مخدر هم دارد دستگیر و به مقامات قضایی تحویل داده شد.

قتل راننده تیبا با ضربه قمه در ایستگاه مترو آزادگان

درگیری چند راننده حوالی ایستگاه مترو آزادگان منجر به قتل یکی از آنها شد. ساعت ۱۶:۳۵ روز شنبه ۲۱ مهرماه سال جاری مأموران کلانتری ۱۵۳ شهرک ولیعصر (عج) به بازپرس کشیک قتل پایتخت اعلام کردند مرد جوانی در یک درگیری با ضربه قمه از ناحیه قلب مجروح شده و پس از انتقال به بیمارستان ضیائیان به علت شدت جراحات وارده جان باخته است. دقایقی بعد از اعلام این خبر سید سجاد منافی آذر بازپرس شعبه ۳ دادسرای امور جنایی تهران همراه تیم تشخیص هویت آگاهی در صحنه جرم در نزدیکی ایستگاه مترو آزادگان حاضر شده و تحقیقات را کلید زدند. بررسی اولیه نشان داد راننده تیبا و راننده پژو ۴۰۵ که با هم دوست و مسافرکش بودند برای سوار کردن مسافر ایستگاه مترو آزادگان با خودروهایشان توقف کرده که در این حین راننده یک خودروی وانت پراید از مقابل یک پارکینگ خارج شده و به رانندگان تیبا و پژو ۴۰۵ درباره سد معبر آنها معترض و همین اتفاق منجر به درگیری بین راننده وانت پراید و دو راننده مسافرکش شده بود. در نهایت با دستور سجاد منافی آذر؛ بازپرس امور جنایی تهران جسد مقتول برای بررسی بیشتر به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات برای بازداشت متهم فراری ادامه دارد.

درگیری مرگبار ۲ جوان در بجنورد

جدال خیابانی در بجنورد، یکشنبه شب با قتل یک جوان پایان گرفت. سردار علیرضا مظاهری فرمانده انتظامی خراسان شمالی اظهار داشت: یک جوان بجنوردی در نزاع خیابانی با ضربات چاقو مصدوم و برای مداوا به بیمارستان منتقل شد اما به علت شدت ضربات در بیمارستان جان باخت. وی با بیان اینکه این درگیری در خیابان جاجرمی رخ داده است افزود: نزاع، زمینه قبلی نداشته و ۲ جوان بر اثر مسائلی با هم درگیر شده اند که منجر به قتل یکی از آنان شد. سردار مظاهری تصریح کرد: با اقدام به موقع ماموران انتظامی بجنورد و پلیس آگاهی استان، قاتل در کمتر از ۲۰ دقیقه دستگیر شد که از وی آلات قتاله نیز کشف شد. فرمانده انتظامی خراسان شمالی گفت: از شهروندان انتظار می رود آستانه تحمل و طاقت خود را بالا ببرند و از نزاع و درگیری پرهیز کنند تا شاهد چنین حوادثی نباشیم.

خبر

هیچ سرنخی از این پسر نبود

دسیسه آتشین خواستگار کینه‌جوی یک دختر

گروه حوادث: پسر جوان وقتی در خواستگاری شکست خورد چند سال در کمین او به انتظار نشست. این پسر اقدام به آتش افروزی خودروی دختر مورد علاقه‌اش کرد.

آتش سوزی در چهارباغ

عقربه‌ها ساعت ۷ عصر دوشنبه ۲۶ شهریور ماه سال جاری را نشان می‌داد که زن جوانی در تماس با سازمان آتش نشانی از آتش سوزی خودرویش در خیابان چهارباغ تهران خبر داد.

خیلی زود ماموران پلیس و تیمی از امدادگران سازمان آتش نشانی تهران برای بررسی و مهار آتش در محل حادثه حاضر شدند.

آتش نشانان پس از عملیات اطفای حریق در بررسی‌های کارشناسی پی بردند که علت آتش سوزی عمدی بوده و با مواد اشتعال زا این آتش سوزی صورت گرفته است.

شناسایی عامل آتش افروزی

با توجه به مرموز بودن این حادثه و اعلام نظریه کارشناسان سازمان آتش نشانی تهران تیمی از ماموران اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران به دستور بازپرس شعبه ۲ دادسرای ناحیه ۵ تهران برای بررسی این آتش افروزی معمایی وارد عمل شدند. کارآگاهان در گام نخست منیژه ۳۵ ساله را هدف تحقیق قرار دادند و این زن جوان در تحقیقات پلیسی ادعا کرد که هیچ اختلاف مالی و شخصی با کسی ندارد و نمی داند چه کسی و با چه انگیزه‌ای دست به این کار زده است.

تیم جنایی پلیس آگاهی تهران در این شاخه از تحقیقات با حضور در محل آتش سوزی تجسس‌های میدانی را آغاز کردند و به دوربین مداربسته‌ای که در نزدیکی محل حادثه بود، رسیدند. کارآگاهان در این مرحله در بررسی فیلم دوربین مداربسته مشاهده کردند که قبل از آتش سوزی، ۲ جوان با نزدیک شدن به خودروی زن جوان اقدام به ریختن مایع اشتعال‌زا کرده و پس از آتش افروزی پا به فرار گذاشته‌اند.

خواستگار کینه‌جو

تیم پلیسی در گام بعدی تصویر ۲ مرد جوان را پیش روی منیژه قرار دادند و زن جوان در حالیکه با دیدن عکس یکی از متهمان شوکه شده بود ادعا کرد یکی از آن جوان‌ها اسماعیل خواستگار قدیمی‌اش است. منیژه به ماموران گفت: چند سال قبل اسماعیل که از دوستان خانوادگی مان بود از من خواستگاری کرد که من در مورد او از بستگان و آشنایانی که شناخت کافی به اسماعیل داشتند تحقیق کردم که متوجه شدم وی جوانی بداخلاق و عصبانی است که به همین خاطر جواب منفی به پیشنهاد ازدواج اسماعیل دادم.

وی افزود: پس از آن دیگر خبری از اسماعیل نشد و دیگر درباره ازدواج صحبتی پیش نیامد و از آن روز، چند سالیست که می گذرد و باورش سخت است که او به خاطر جواب منفی من دست به آتش افروزی خودرویم زده است.

دستگیری مرد آتش افروز

ماموران اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران در این شاخه از ردیابی‌های پلیسی با اقدامات فنی و پلیسی مخفیگاه اسماعیل را در کرج شناسایی کردند روز ۲۲ خرداد ماه در عملیاتی غافلگیرانه مرد آتش افروز دستگیر شد.

اسماعیل ابتدا با داستانسرایی سعی داشت خود را بیگناه معرفی کند اما وقتی در برابر فیلم دوربین مداربسته قرار گرفت به ناچار مجبور به اعتراف شد. جوان آتش افروز به ماموران گفت: از وقتی که منیژه جواب منفی به خواستگاری ام داد از او کینه به دل گرفتم چون علاقه زیادی به دختر جوان داشتم و فکر نمی کردم پیشنهادم را رد کند و در این سالها از او کینه به دل داشتم تا اینکه فهمیدم می خواهد از دواج کند به همین خاطر با همدستی یکی از دوستانم دست به آتش افروزی خودروی منیژه زدم. پسر جوان ادامه داد: روز حادثه سوار بر خودرویم به دنبال سیامک رفتم و از کرج به سمت تهران حرکت کردیم و در مسیر به پمپ بنزین رفتیم و یک ظرف پلاستیکی را پر از بنزین کردم.

وی ادامه داد: وقتی به تهران رسیدیم به جلوی خانه منیژه رفتیم و خودرویم را سر خیابان پارک کرده و همراه سیامک به سمت خودروی رانا مشکی رنگ منیژه رفتیم. اسماعیل گفت: سیامک در نزدیکی من مواظب بود تا کسی متوجه حضور ما نشود و در یک لحظه که خیابان خلوت بود من ظرف پر از بنزین را روی خودرو خالی کرده و سپس با روشن کردن فندک اقدام به آتش زدن خودرو کردم و همراه سیامک به سرعت پا به فرار گذاشتیم.

خواستگار کینه گفت: چون سالها از ماجرای خواستگاری ام گذشته بود فکر نمی کردم کسی به من شک کند و داخل کوچه نیز مواظب بودیم که کسی ما را ندیده باشد و اصلا به دوربین مداربسته فکر نکرده بودیم و حتی وقتی دستگیر شدم سعی کردم خودم را بیگناه معرفی کنم اما با دیدن فیلم دوربین مداربسته راهی جز اعتراف پیش روی خودم ندیدم. کارآگاهان با توجه به اعترافات اسماعیل خیلی زود مخفیگاه سیامک را در کرج شناسایی کردند و این جوان قبل از اطلاع از دستگیری اسماعیل در عملیات غافلگیرانه ماموران دستگیر شد.

سیامک نیز ابتدا قصد گمراه کردن ماموران را داشت اما وقتی در برابر اعترافات اسماعیل و فیلم دوربین مداربسته قرار گرفت به همدستی با اسماعیل اعتراف کرد. پسر جوان به ماموران گفت: در این ماجرا تنها اسماعیل را همراهی کردم و حتی فندک را هم خود اسماعیل زد و برای اینکه او گرفتار نشود همراهی اش کردم.

بنا به این گزارش، متهمان پس از اعتراف به آتش افروزی با صدور قرار قانونی از سوی شعبه ۲ بازپرسی دادسرای ناحیه ۵ تهران روانه زندان شدند.



فیلم این حادثه جنجال کرد

سنگین ترین مجازات برای عامل حمله به پلیس راهور

راننده لندکروز که پلیس راهور را کتک زده بود به ۱۶ سال زندان و ۳۳۳ ضربه شلاق و طرد از شیراز محکوم شد.

متهم پرونده تعرض به پلیس راهور استان فارس در دادگاه بدوی در ۶ عنوان اتهامی مجرم شناخته شد و جمعاً به ۱۶ سال زندان و ۳ بار و هر بار ۱۱۱ ضربه شلاق و مجازات تکمیلی محرومیت از تصدی وسائط نقلیه سبک و سنگین در سراسر کشور و منع اقامت در شهرستان شیراز محکوم شد. بر اساس رأی صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شیراز، اتهامات م ـ ک متهم ۳۳ ساله این پرونده مبنی بر ارتکاب دو فقره بزه توهین به مأموران، اخلال در نظم و آسایش عمومی، تخریب عمدی البسه نظامی، تمرد نسبت به مأموران حین انجام وظیفه، ضرب و جرح عمدی منجر به شکستگی و دو فقره تهدید به استناد مواد متعدد قانون مجازات اسلامی محرز و رأی بر محکومیت وی صادر شد. محکوم پرونده به لحاظ ارتکاب دو فقره توهین به دو فقره و هر بار به ۱۱۱ ضربه شلاق، به لحاظ انجام تهدید به قتل به سه سال حبس تعزیری، به لحاظ ارتکاب بزه تخریب البسه پلیس به ۴ سال حبس تعزیری و از باب اخلال در نظم عمومی و امنیت به ۱۱۱ ضربه شلاق و ۱.۵ سال حبس تعزیری و همچنین به لحاظ تمرد نسبت به مأمورین حین انجام وظیفه به ۱.۵ سال حبس و از باب ایراد ضرب و جرح عمدی منجر به ۳ فقره شکستگی دندان های پیشین مأمور انتظامی به ۷.۵ سال حبس تعزیری و پرداخت دیه مقرره محکوم شد. در رأی صادره همچنین به استناد مواد ۲۳ و ۲۴ قانون مجازات اسلامی متهم به لحاظ تتمیم و تکمیل مجازات نیز به دو سال محرومیت از رانندگی و دو سال منع اقامت در شیراز محکوم شد. بر اساس رأی صادره در خصوص سه عنوان اتهامی تخریب خودرو، تخریب تابلو و افتراء به لحاظ کمبود ادله، رأی بر برائت متهم صادر شد.

همچنین در رأی صادره عنوان شده است که بر اساس ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی در خصوص متهم پرونده تنها مجازات اشد یعنی ۷/۵ سال حبس و مجازات تکمیلی قابل اجرا است. پیش از این اخبار غیر موثقی از محکومیت متهم پرونده در رسانه‌ها منتشر شده بود.

رأی صادره در شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شیراز بر اساس قانون ظرف مدت ۲۰ روز قابل تجدید نظر خواهی در محاکم تجدید نظر استان فارس است. چندی پیش سرنشینان یک لندکروز در جاده دشت ارژن به پلیس راهور حمله کرده و او را مورد ضرب و شتم قرار دادند.